

تبیین پیوندهای استراتژیک آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی

بنت الهدا یوسفی دیلمی

دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

فرهاد حمزه*

استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رضا تاجفر

استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه امام علی (ع).

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴

چکیده

بر اساس نظریه مکیندر، همواره از آسیای مرکزی به عنوان یکی از مناطق ژئوپلیتیکی مهم جهان یاد می‌شود که این منطقه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و با تشکیل کشورهای استقلال یافته، دچار تغییرات گسترده‌ای شد. در این زمینه در طی دهه اخیر با افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران، افزایش نفوذ سیاسی-اقتصادی چین در آسیای مرکزی و همچنین افزایش مداخلات فدراسیون روسیه در کشورهای مذکور، همواره منافع ایالات متحده آمریکا را در این منطقه با چالش‌ها و مشکلات متعددی مواجه ساخت. با توجه به تأثیرات نفوذ استراتژیک آمریکا در منطقه آسیای مرکزی و تأثیرات آن بر منافع امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و کاربردی به تبیین پیوندهای استراتژیک آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی پرداخته است. جامعه آماری پژوهش حاضر از کلیه کارشناسان و صاحب نظران و کارشناسان جغرافیای سیاسی تشکیل شده است که حجم نمونه آن بر اساس مدل کوکران تعداد ۵۰ نفر تخمین زده شد. به منظور تحلیل یافته‌های تحقیق نیز از آماره‌های توصیفی آزمون میانگین در نرم افزار spss استفاده گردید. نتایج نشان داد که تهدیدهای مشترک اسلام‌گرایی و تروریسم، مقابله با هژمونی روسیه و چین در منطقه و مقابله با نفوذ ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی به عنوان مهمترین عوامل همگرایی میان آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: پیوند استراتژیک، همگرایی، ایالات متحده آمریکا، منطقه آسیای مرکزی.

مقدمه

پس از فروپاشی و تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن نظام دو قطبی در جهان، کشورهایی در آسیای مرکزی به استقلال رسیدند. منطقه آسیای مرکزی به عنوان یک هارتلند خاص جغرافیایی از یک سری ارزش‌ها، فرصت‌ها و پتانسیل‌هایی برخوردار می‌باشد که پس از فروپاشی شوروی و ایجاد خلا قدرت در این منطقه، موجب رقابت میان قدرت‌های منطقه، فرامنطقه‌ای و جهانی به منظور کسب این فرصت‌ها و ارزش‌ها گردید و از آنجایی که کشورهای تازه استقلال یافته توانایی‌های لازم در بهره‌وری از موقعیت مساعد جغرافیایی خود را نداشته‌اند، قدرت‌های خارجی بر اساس منافع خود از آن‌ها بهره‌می‌برند و به نوعی بحران‌زایی می‌کنند. به این منظور کشور ترکمنستان که یکی از مهمترین کشورهای آسیای مرکزی به شمار می‌رود (pardhan, 2018)، از جایگاه ژئوپلیتیکی حساسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است. جمهوری‌های آسیای مرکزی بر سر راه روسیه، خاورمیانه، جنوب آسیا و خاور دور قرار دارند. از همین رو هر گونه تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه اثرات خود را به صورت اجتناب‌ناپذیری بر کشورهای منطقه خواهد داشت. (cai, 2018) این موقعیت ارتباطی مناسب موجب شده قدرت‌های بزرگ همیشه چشم به این منطقه داشته باشند و از منظر ژئوپلیتیک نیز، خلاء قدرت در سال‌های اولیه پس از فروپاشی، برای برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این ادراک را ایجاد کرد که یک خلاء ژئوپلیتیکی در این منطقه به وجود آمده است. از همین رو، این قدرت‌ها در پی آن برآمدند تا با به دست آوردن نفوذ و جایگاه مناسب در منطقه و با اتخاذ راهبردها و توسل به ابزارهای مختلف، در ساختار قدرت منطقه سهمی برای خود بیابند. از این رو، در سال‌های اولیه پس از استقلال با توجه به معطوف شدن توجه روسیه به مشکلات داخلی، فرصتی برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به وجود آمد. پایان حیات اتحاد جماهیر شوروی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی باعث بروز تغییرات فراوانی گردید. (nourian, 2021) در سطح منطقه‌ای سقوط این ابر قدرت سبب شد تا پانزده جمهوری که سالها تحت حاکمیت این کشور قرار داشتند به استقلال دست یابند. با آزاد شدن فضای آسیای مرکزی ناشی از استقلال، بسیاری از قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فرصت را برای نقش‌آفرینی برتر در این حوزه غنیمت شمردند و درصدد پر کردن خلاء ایجاد شده برآمدند. بنابراین، آسیای مرکزی و قفقاز عرصه رقابت قدرت‌ها گردید. (kruse and sheikh, 2022) درک اهمیت راهبردی این منطقه با شناخت نقش قدرت‌های دخیل در تحولات و بحران‌ها امکان‌پذیر است. این منطقه به لحاظ استراتژیک و به دلیل وجود ذخایر زیرزمینی نفت و گاز و موقعیت جغرافیایی مهم از منطقه ژئوپلیتیکی خفته و دور از مرکز به منطقه ژئوپلیتیکی فعال مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. آسیای مرکزی ویژگی‌های ژئوپلیتیک برجسته‌ای دارد و در دوره‌های مختلف تاریخ، شاهد منازعه و کشمکش مستمر قدرت‌های بزرگ بوده است. در این میان، آمریکا به عنوان هژمون نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد به یکی از بازیگران اصلی فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی تبدیل شده است. هدف اساسی آمریکا از حضور در آسیای مرکزی، افزایش نفوذ و کنار زدن رقبای منطقه‌ای و

فرمانطقه ای است تا این کشورها با یک رهبری واحد با هم متحد نشوند و قدرتی واحد کنترل منطقه را در دست نگیرد (Brzezinski, ۱۹۹۷, ۱۵۶) این منطقه دارای دو خصوصیت مهم ژئوپلیتیک برای آمریکا است:

- ۱ - منابع فسیلی این منطقه هر چند به مقدار کم، به منابع انرژی جهانی تنوع می بخشد.
- ۲ - این منطقه بویژه قفقاز جنوبی دروازه ورود آمریکا و قدرت های غربی به اوراسیا است و تسلط بر آن امکان محدود کردن نفوذ روسیه را در مرزهای سیاسی خود فراهم می کند.

رقبای متقارنی که برتری ژئوپلیتیک آمریکا را در صحنه جغرافیای سیاسی اوراسیای مرکزی به چالش می کشند، روسیه، چین و تا اندازه ای اتحادیه اروپا هستند. در زمینه دستیابی به فرصت های ژئواکونومیک اتحادیه اروپا رقیب ایالات متحده در مرکز و جنوب اوراسیا است در حالی که روسیه و چین علاوه بر رقابت در حوزه های ژئواکونومیک دارای برتری های قابل ملاحظه ژئوپلیتیکی در حوزه های راهبردی اوراسیا هستند. (Qichao and Wang, 2022) زیرا این قدرت ها به واقع به واسطه ی حضور جغرافیایی ذاتی در اوراسیا تسلط جغرافیایی بی بدیلی بر این حوزه های راهبردی دارند. از همین رو است که اعمال رهبری جهان و جلوگیری از ظهور هر چالش گر جدید جهانی در اوراسیا از جمله اهداف اصلی آمریکا در دوره پس از جنگ سرد به شمار می روند.

از این جهت به موضوع آسیای مرکزی پرداخته شده است که با توجه به روابط فرهنگی ایران و کشورهای آسیای مرکزی خصوصا تاجیکستان و ازبکستان و همچنین وجود ذخایر انرژی و.. روابط سیاسی طویل میان ایران و این کشورها، حضور آمریکا در کشورهای آسیای مرکزی، می تواند بر امنیت ملی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیر گذار باشد. لذا شناخت پیوندهای استراتژیک میان ایالات متحده آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی، به عنوان مهمترین عامل نفوذ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی می تواند به صورت مستقیم بر تحرکات ایالات متحده در این منطقه تاثیر گذار باشد. (ebrahimi and et al, 2020, 327)

با توجه به مطالب مطرح شده پرسش های تحقیق شامل موارد زیر می باشد :

- مهمترین عوامل ایجاد همگرایی میان ایالات متحده آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی چیست؟
- عوامل ژئواستراتژیک تا چه اندازه می تواند در نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی مثرتر واقع شود؟

همچنین در زمینه روابط یا پیوندهای ایالات متحده آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی پژوهش های متعددی در ایران انجام گرفته است که به صورت جدول شماره ۱ قابل نمایش است .

جدول ۱- پیشینه پژوهش‌های موضوع تحقیق

ردیف	محقق و سال	عنوان پژوهش	خلاصه نتایج
۱	آدم کاسیر*	رقابتی معاصر در آسیای مرکزی : چالش‌ها و فرصت‌ها	از جمله چالش‌های رقابت‌های معاصر در آسیای مرکزی می‌توان به ضعف حکمرانی، مشکلات اقتصادی، وجود زیرساخت‌های ضعیف و همچنین ضعف‌های توسعه در این گونه کشورها اشاره کرد. این مطالعه در بخش جداگانه‌ای به تحلیل اهداف ایالات متحده از حضور در آسیای مرکزی پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که چین در حال ظهور به عنوان یک ابر قدرت جهانی، در حال حاضر بیشترین نفوذ را از نظر اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی داشته است همچنین روسیه به دلیل موقعیت نظامی خویش جایگاه ویژه‌ای همواره در این منطقه داشته است و به این منظور ایالات متحده آمریکا همواره به دنبال کاهش نفوذ اقتصادی چین در منطقه آسیای مرکزی و کاهش حضور نظامی روس‌ها در منطقه آسیای مرکزی بوده است.
۲	ولادیمیر پاشکوف†	سیاست ایالات متحده و روسیه در قبال آسیای مرکزی در چارچوب تئوری سیاسی	نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ایالات متحده با در اختیار قرار دادن وام‌ها و مشوق‌های اقتصادی به کشورهای آسیای مرکزی خصوصاً قزاقستان و ترکمنستان و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و نظامی در این کشورها به طور مستقیم به دنبال کاهش نفوذهای سیاسی و اقتصادی روسیه در این منطقه بوده است
۳	بختینگول‡ و همکاران	سیاست‌های منطقه‌ای آلمان در آسیای مرکزی	این مطالعه نشان می‌دهد که اهداف آلمان و اتحادیه اروپا و همچنین آمریکا از حضور در آسیای مرکزی، تسلط بر ذخایر انرژی این منطقه، افزایش تولیدات اقتصادی و مراودات اقتصادی و به نوعی وابسته نمودن کشورهای آسیای مرکزی به کشورهای بلوک غرب در راستای کاهش قدرت اقتصادی چین می‌باشد.
۴	دی لیسل§	سیاست خارجی از طریق سایر ابزارها: قدرت سخت، قدرت نرم و چرخش چین به جنگ سیاسی برای تأثیرگذاری بر ایالات متحده	جنگ سیاسی چین در تقابل با آمریکا و همچنین تلاش‌های چین در بسیاری از بخش‌ها، از جمله تجارت، فرهنگ، رسانه، آموزش و پرورش و .. دامنه وسیعی را شامل می‌شود و این مسائل اقدامات متقابل منطقه‌ای آمریکا را نیز در پی داشته است. این جنگ‌ها همواره در یک سطوح مستقیم در جریان نبوده است و به عنوان نمونه در دولت جورج بوش، تقابل‌های منطقه‌ای آسیای مرکزی میان بوش و چین بسیار کمتر دیده می‌شد. در دوران باراک اوباما نیز این سیاست‌ها تا حدودی تغییر نیافت اما در دوران دونالد ترامپ، افزایش تنش‌های ایالات متحده با چین خصوصاً در حوزه منطقه آسیای مرکزی به اوج خود رسیده است.
۵	کاناپیانووا**	سیاست ایالات متحده و روسیه در قبال آسیای مرکزی در چارچوب تئوری سیاسی	ایالات متحده آمریکا و روسیه برای به دست آوردن نفوذ نظامی و فضای بیشتر در منطقه وارد یک رقابت شده‌اند. در حال حاضر نفوذهای مختلف دو کشور در یکایک کشورهای آسیای مرکزی، به شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی صورت می‌گیرد که روش ایالات متحده برای نفوذ در کشورهای آسیای مرکزی، بیشتر مرتبط با مسائل ژئواکونومیک، توسعه انرژی و کمک به کشورها در زمینه زیرساخت‌های بخش انرژی و زیرساخت‌های شهری می‌باشد. نتایج نشان داد که هر دو کشور در تلاش هستند که نفوذ و سیاست‌های خود را از طریق قدرت‌های حوزه رسانه‌ای، سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی و حیاتی کشورها و همچنین روی کار آمدن دولت‌هایی با خط مشی‌های سیاسی هر یک از کشورها، ارتقاء بخشند.
۶	شاه حسینی	استراتژی امنیتی ایالات متحده آمریکا و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز(۲۰۱۲_۲۰۱۷)	محقق در این پژوهش با تمرکز بر اسناد استراتژی امنیت ملی متاخر روسیه و ایالات متحده تلاش دارد تا با شناسایی ابعاد مرتبط و اثرگذار راهبرد کلان امنیتی این دو قدرت بزرگ به تبیین استراتژی امنیتی ایالات متحده آمریکا و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز بپردازد. در این بررسی با استفاده از رهیافت رئالیسم تهاجمی و نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای و مطالعه اسناد استراتژی امنیتی دو کشور ایالات متحده و روسیه مدعی می‌شود که ایالات متحده در آسیای مرکزی و قفقاز به دنبال احاله مسئولیت است و استراتژی روسیه ایجاد وابستگی متقابل امنیتی میان خود و کشور‌های این منطقه است.

Source:(Research findings)

* Adem kacir
 † Pachkov
 ‡ Bakhytgul
 § de Lisle
 ** KANAPIYANOVA

مبانی نظری تحقیق

۱. سیاست خارجی

برای سیاست خارجی تعاریف متعددی ارائه شده است. سیاست خارجی شامل تنظیم و اجرا و همچنین خود محصول و نتیجه تصمیمات به شمار می رود. که راهنمایی است برای اقداماتی که یک دولت در ورای مرزهای خویش به منظور پیشبرد اهداف در رابطه با بازیگران حکومتی و غیر حکومتی به عمل می آورد. (Akhbari, 2020, 218). در تعریفی دیگر میتوان سیاست خارجی را جتهتی که یک دولت برمیگزیند و در آن از خود تحرک نشان میدهد و نیز شیوه نگرش دولت نسبت به جامعه بین المللی، تعریف نمود. سیاست خارجی هر کشور برآیندی از عوامل و فاکتورهایی از قبیل تصمیم گیرندگان، ساخت سیاسی بین الملل، قدرت اقتصادی، موقعیت ژئوپلیتیک، اوضاع اجتماعی آن کشور و در نهایت شرایط زمانی است.

اهداف سیاست خارجی هر کشور بر حسب ظرفیت ها و توان های داخلی در سه بخش کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت مورد توجه و ارزیابی نهایی تصمیم گیری قرار میگیرد. در تعریف دیگر می توان سیاست خارجی را استراتژی یا یک سلسله اقدامات طراحی شده دانست که توسط سیاست گذاران یک کشور در مقابل سایر کشورها یا موجودیت های بین الملل جهت کسب اهداف خاص تعریف شده برحسب منافع ملی مشخص شده دانست. همچنین میتوان سیاست خارجی را راهبرد و رهیافتی دانست که توسط دولت ملی برای دستیابی به اهداف خود در روابط با موجودیت های خارجی انتخاب می شود که شامل تصمیم به عدم کنش نیز هست (smith and ashfield, 2012, 23).

۲. منطقه گرایی

منطقه گرایی معادل کلمه لاتین رژیونالیسم است که از لغت region به معنای منطقه و پسوند ism که به معنای گرایش و اعتقاد ترکیب شده است. مراد از این اصطلاح در ادبیات روابط بین الملل تشکیلات و اجتماعاتی است که مرکب از حداقل سه واحد سیاسی باشد. در ادبیات روابط بین الملل، رژیونالیسم هنگامی کاربرد دارد که دولتهای واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند از طریق سازمان های منطقه ای با یکدیگر همکاری های نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند (tabataei, 2020, 22). منطقه گرایی عبارت است از ایجاد تحول در یک منطقه مشخص، از پراکندگی و چند دستگی به همگون شدن و همگرایی، آن هم در یک رشته از زمینه ها که مهمترین آنها فرهنگ، امنیت، سیاست های اقتصادی و رژیم های سیاسی است. سطح مشخصی از همسانی شرط لازم است اما کافی نیست (Mahkouei and Bavir, 2014, 16). همواره یک کشور هم نمی تواند به تنهایی در معادلات قدرت جهانی جایگاهی پیدا کند. از این رو منطقه گرایی خود را بر همه کشورها تحمیل می کند و در این میان، کشورهایی موفق خواهند بود که با تمهیدات لازم به استقبال آن رفته و قدرت خود را درون یک شکل منطقه ای تعریف کنند (Najafgholi Nejad Varjoui and Hassannejad, 2013).

۳. ژئواستراتژی

ژئواستراتژی به بررسی روابط فی‌مابین استراتژی و عناصر جغرافیایی می‌پردازد. عناصر ثابت ژئوپلیتیک (عناصر جغرافیای طبیعی) شالوده ژئواستراتژیک را تشکیل می‌دهد چرا که عناصر طبیعی تأثیر عمیقی در کاربرد ابزار و امکانات دارد. ابزار و امکانات با توجه به شرایط جغرافیایی انتخاب شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد». مطالعه اهمیت محیط به طور اساسی در ارتباط با درک مسئله، شامل رفاه اقتصادی یا سیاسی نسبت به دیدگاه بین‌المللی، ژئواستراتژیک خوانده می‌شود. به عبارت دیگر بسیاری از تحلیل‌گران در مورد رابطه بین موقعیت، وسعت سرزمینی و قدرت ملی به تعمیم‌گرایی پرداخته‌اند. این دانش پژوهان «ژئواستراتژیک» ارزش و اعتبار فضا را از لحاظ اقتصادی و سیاسی و نظامی مورد ارزیابی قرار می‌دهند و در مورد عملکرد روابط بین‌المللی در ارتباط با رعایت امنیت و مصالح ملی توصیه‌هایی را ارائه می‌نمایند. دکتر پیروز مجتهدزاده از ژئواستراتژیک تعریفی اینچنین ارائه می‌دهند: «ژئواستراتژیک عبارتست از مطالعه اثر عوامل استراتژیک محیط جغرافیایی منطقه‌ای و جهانی روی تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها و اثر گذاری‌های متقابل کشورها در ابعاد منطقه‌ای و جهانی، و سیاست‌های قدرتی (Yazdani and Tuyserkani, 2011). دکتر عزت‌الله عزتی نیز ژئواستراتژی را اینچنین تعریف می‌کنند: «ژئواستراتژی در حقیقت علم کشف روابطی است که بین یک استراتژی و محیط جغرافیایی وجود دارد. تاش دمیرچی در تشریح ژئواستراتژیک می‌گوید: «موضوع ژئواستراتژیک بررسی عناصر جغرافیایی مبتنی بر استراتژیک و نایل آمدن به نتایج استراتژیک می‌باشد.» (Salehi, 2020, 54).

ایولاکوست و بتریس ژیلن معتقدند: «واژه ژئواستراتژی و استفاده‌ای که از آن در برخی امور مرتبط با روابط قدرت می‌شود، بر اهمیت اشکال جغرافیایی تأکید می‌کند. این اشکال جغرافیایی اهمیت خود را حتی پس از پیروزی و تا مدت‌های طولانی حفظ می‌کنند. دلیل این امر آن است که فلان تنگه، فلان منبع نفت، فلان شهر بزرگ، فلان سرزمین قومی و حتی فلان مکان نمادین منافع خاصی را در نظر قدرت‌های رقیب جلوه می‌دهد که همین منافع و گاه یکی از آنها، ابزار مهمی برای تضمین کنترل ممتد و تملک آن سرزمین یا برای مقابله با نفوذ رقیب در آن مکان محسوب می‌شوند» (Hoseinpour puyan, 2006, 27).

مواد و روش‌ها

بر اساس اهداف و پرسش‌های تحقیق و همچنین تجزیه و تحلیل آن‌ها، پژوهش حاضر از نظر روش شناسی توصیفی-تحلیلی و بر اساس هدف، از نوع تحقیقات کاربردی-توسعه‌ای است. جامعه آماری تحقیق حاضر از کلیه کارشناسان، اساتید دانشگاه و صاحب نظران حوزه‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تشکیل شده است که حجم نمونه بر اساس مدل کوکران تعداد ۴۴ نفر تخمین زده شده است که به منظور افزایش ضریب اطمینان حجم نمونه، تعداد ۵۰ نفر در نظر گرفته شده است.

$$n = \frac{Z^2 pq}{d^2}$$

$$q=1-p$$

$$z=1.96$$

$$P=0.03$$

$$d=0.05$$

$$X = \frac{(3.84 \times 0.03 \times 0.97)}{0.0025} = 44.69$$

موقعیت منطقه مورد مطالعه

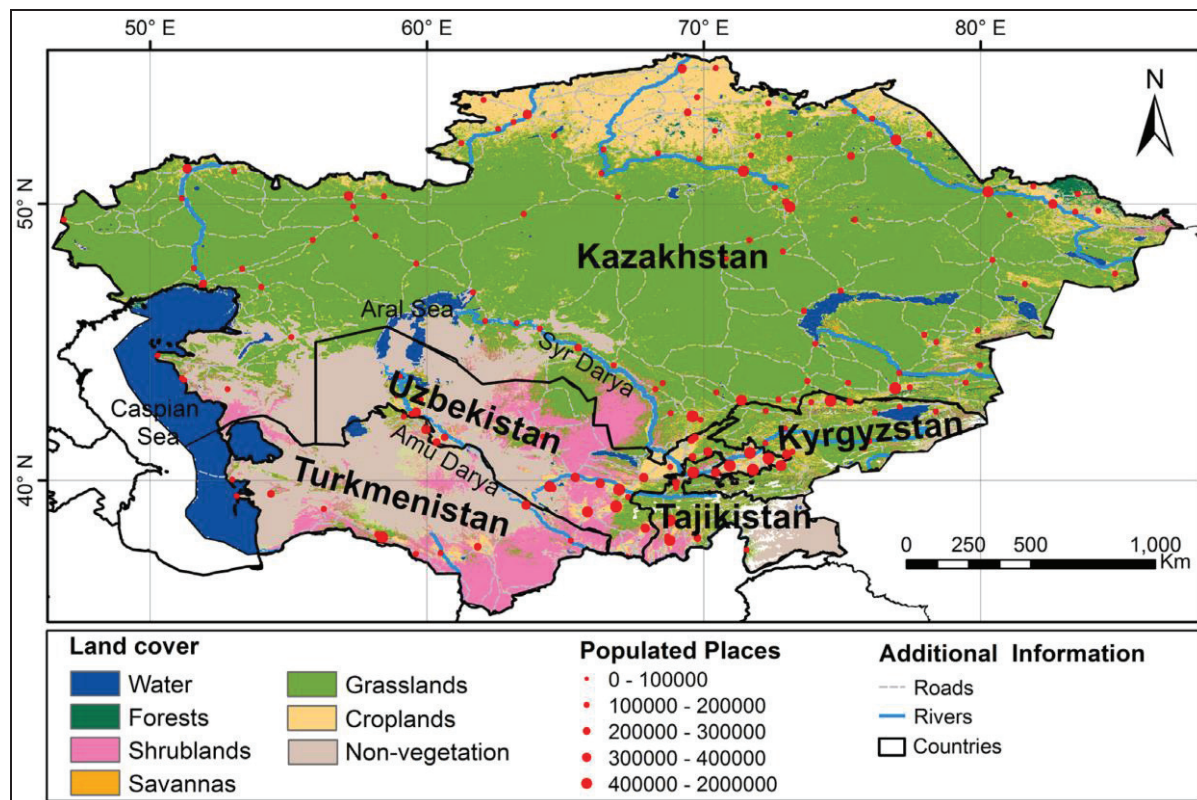
۱. موقعیت استراتژیک آسیای مرکزی

منطقه آسیای مرکزی اگر چه از لحاظ استراتژیکی واجد اهمیت فوق العاده ای است اما از نظر سیاسی و امنیتی وضعیت سست و شکننده ای دارد و لذا محل حضور و رقابت قدرت های بزرگ شده است. برخی از ویژگی های اساسی منطقه آسیای مرکزی عبارت اند از:

(۱) آسیای مرکزی از لحاظ جغرافیایی در محل تقاطع اروپا در غرب و آسیا در شرق واقع شده است و از شمال به روسیه و از جنوب به جهان اسلام محدود می شود.

(۲) آسیای مرکزی دارای منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز و فلزات نایاب می باشد. این منطقه دارای دومین مخازن بزرگ انرژی دنیاست.

(۳) از نظر ژئو استراتژیک، آسیای مرکزی تنها منطقه جهان است که چهار قدرت هسته ای روسیه، چین، پاکستان هند را به هم وصل می کنند (Bakhshaish Ardestani,2010,44).



نقشه ۱.۱. ارزیابی قابلیت اراضی و پراکندگی جمعیت در منطقه آسیای مرکزی ،

منبع: <https://www.researchgate.net/figure/Change-in-daily-temperature>

۲. اهمیت ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی

۱.۲. ژئوپلیتیک اقتصادی آسیای مرکزی

هموارا از نظر ژئوپلیتیک اقتصادی جمهوری قزاقستان در بین جمهوری های آسیای مرکزی از نظر پتانسیل اقتصادی در درجه اول اهمیت قرار دارد و بزرگترین نفت خام قابل برداشت منطقه را داراست. دارای رتبه دوم معادن و منابع طبیعی در بین کشورهای مستقل مشترک المنافع و رتبه هفتم ذخایر طلای جهان، ششمین تولید کننده گندم جهان و یکی از صادر کنندگان نفت می باشد. (Shiroodi,2004,96) در سال ۲۰۰۸ تولید نفت قزاقستان حدود ۱,۵۵ میلیون بشکه در روز، مصرف آن ۲۹۹ هزار بشکه در روز و ظرفیت صادرات نفت آن ۱۳۲۵ هزار بشکه در روز و میزان تولید، مصرف و صادرات گاز طبیعی این کشور به ترتیب ۳۰,۲، ۲۰,۶ و ۹,۶ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۸ بوده است. طبق اعلام معاون وزیر انرژی قزاقستان در سمینار انرژی کشورهای عضو مجمع گفتگوی همکاری آسیایی، این کشور در نظر دارد با توجه به سرمایه گذاری های انجام شده، تولید نفت خام خود را تا پایان سال ۲۰۱۵، به ۳,۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. ذخایر گاز قزاقستان نیز ۳,۴ تریلیون متر مکعب (۱,۹ تریلیون شناخته شده و بقیه ناشناخته) برآورد شده است که بیش از ۴۰ درصد آن در میدان عظیم کاراشا گناگ در شمال غربی این کشور قرار دارد (Daman Pak Jami,2008). همچنین این کشور در نظر دارد با کمک سرمایه گذاری های عمدتاً خارجی در میدان گازی خود، حجم تولید سالانه خود را تا سال ۲۰۱۵ به بیش از ۵۷ میلیارد متر مکعب برساند که حداقل ۲۰

درصد آن را صادر خواهد کرد. البته در برابر این توانایی ها، این کشور وارد کننده برق از قرقیزستان و روسیه است و از کسری بودجه و یک بدهی ۴ میلیارد دلاری رنج می برد. ترکمنستان نیز با در اختیار داشتن ۲,۸ تریلیون متر مکعب ذخایر اثبات شده گاز طبیعی و ذخایر ناشناخته معادل حدود ۴,۵ تریلیون متر مکعب، مقام یازدهم ذخایر جهانی گاز طبیعی را دارا بوده، چنانچه توانسته بخش عظیم آن را به کشورهای مختلف از جمله اوکراین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران صادر کند. طبق برآورد سال ۲۰۰۸، حدود ۶۰٪ درآمد ارزی ترکمنستان از محل صادرات گاز طبیعی تأمین می شود. (Zabah, 2014, 79) در سال ۲۰۰۸، میزان تولید، مصرف و صادرات گاز طبیعی این کشور به ترتیب ۶۶,۱٪، ۱۹ و ۴۷,۱ میلیارد متر مکعب در سال بوده است. این کشور مدعی است که تا پایان سال ۲۰۱۵، تولید گاز طبیعی خود را به ۳۰ میلیارد متر مکعب در سال خواهد رساند که این موضوع شرکت های خارجی را به مشارکت در تولید گاز طبیعی در آب های خزر تشویق خواهد کرد. ترکمنستان دارای دو پالایشگاه نفتی ترکمن باشی (کراسنو دسک سابق) و نفته زاودسک در شهر چارگو نیز می باشد. در سال ۱۹۹۵ مجموع ظرفیت این دو پالایشگاه حدود ۲۴۰ هزار بشکه بود که با توجه به برنامه های توسعه و نوسازی دولت ترکمنستان، در سال ۲۰۰۸، تولید نفت ترکمنستان حدود ۲۰۵ هزار بشکه و مصرف آن ۱۲۳ هزار بشکه در و میزان صادرات نفت آن ۸۲ هزار بشکه در روز افزایش یافته است که نیمی از آن را در داخل مصرف نموده و بقیه را به صورت نفت خام یا فرآورده های پالایشگاهی به خارج صادر می نماید. عمده صادرات نفت خام این کشور به صورت سواپ از طریق بندر ترکمن باشی به ایران صورت می گیرد (Raimondi, 2019).

جمهوری ازبکستان از جماهیر بالقوه ثروتمند اتحاد جماهیر شوروی سابق به شمار می آید. ازبکستان از نظر ذخایر نفت جایگاه چندانی در منطقه ندارد، اما با برآورد میزان ذخایر اثبات شده گاز طبیعی به میزان ۱,۸ تریلیون متر مکعب، در رده چهاردهم جهانی قرار می گیرد. در حال حاضر تولید سالانه گاز طبیعی ازبکستان بیش از ۵۰ میلیارد متر مکعب است که بخش زیادی از آن را صادر می کند. همچنین تولید روزانه نفت آن نیز ۲۵۰ هزار بشکه می باشد. در سال ۲۰۰۶ دو شرکت کره ای ال جی و پالایش نفت است که قراردادی را برای استخراج نفت در مناطق نفتی غرب ازبکستان با این کشور امضا کردند. این دو شرکت کره ای امیدوارند با اکتشافات بیشتر میزان این ذخایر را افزایش دهند. اما آنچه که ازبکستان را در میان کشورهای آسیای مرکزی از نظر اقتصادی اهمیت می بخشد، تولید پنبه است. تولید انبوه پنبه، ناشی از کشت آن در ۷۰٪ زمین های کشاورزی و اتخاذ رویه تک محصولی در اقتصاد است. به علاوه، پوست گوسفند قراکل (قره کل) ازبکستان شهرت جهانی دارد. این کشور مقادیری از تولیدات نیروی برق خود را به همسایگان صادر می کند. افزون بر این، فلزات، ابزار آلات آبیاری و راه سازی، منسوجات، وسایل کشاورزی و هوانوردی، مهمترین اقلام صادراتی این کشور را تشکیل می دهند. این کشور بزرگترین تولید کننده ماشین آلات و صنایع سنگین در آسیای مرکزی است. ازبکستان در کنار تولیدات و صادرات خود، وارد کننده ی غلات، گوشت، شکر، فرآورده های نفتی و کالاهای مصرفی است. (Bobokhonov, 2017)

تاجیکستان فقیرترین عضو شوروی سابق بود، و در دهه های اخیر و در پی جنگ داخلی، اقتصادش ضعیف تر شد. این کشور برای بهبود و بازسازی اقتصاد بیمار خود، حمایت از تجارت، پشتیبانی از اقتصاد دولتی، بهبود ساختار کشاورزی، توسعه همکاری و اتحاد اقتصادی با جمهوری های مشترک المنافع، به استقراض و جلب سرمایه گذاری خارجی، گرایش به بازار آزاد و تربیت متخصصان روی آورده است. تاجیکستان در نیل به اقتصاد خودکفا، چشم به منافع داخلی اش چون طلا، نقره، زغال سنگ، اورانیوم و آلومینیوم و کشت پنبه دوخته است. ولی افزایش نرخ تورم و رشد بیکاری و مهمتر از آن، عدم برخورداری از سوخت کافی، از مشکلات آن کشور است. نفت و گاز تاجیکستان، نیاز آن کشور را تأمین نمی کند. به علاوه، جنگ داخلی و وجود نفت و گاز در عمق هفت هزار متری زمین، کار استفاده از منابع موجود را نیز، با مشکل مواجه کرده است. تاجیکستان کسری سوخت خود را از کشورهای همسایه تهیه می کند، و از این جهت، میلیون ها دلار به همسایگان بدهکار است (Raimondi, 2019).

۲.۲. ژئوپلیتیک سیاسی آسیای مرکزی

جمهوری های آسیای مرکزی در زمانی که در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی بودند به عنوان منطقه توریستی برای جهان خارج محسوب می گردیدند. آن ها اگر چه وزارت خارجه داشتند ولی فاقد سیاست خارجی بودند، زیرا این امر حق کاملاً انحصاری و ویژه وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود و بیشتر در حکم مناطق نفوذ شوروی را داشته و تأمین کننده مواد اولیه برای مرکز بودند. تک محصولی بودن آن ها تا حد زیادی از همین امر ناشی می شود. آنها فاقد حاکمیت داخلی و خارجی بودند، لذا قادر به برقراری روابط با کشورهای مختلف، حتی با کشورهای همسایه و مجاور (پیرامونی کنونی) نبودند. واقعیت این است که آسیای مرکزی با موقعیت ژئوپلیتیک خاص خود ویژگی هایی مانند: محصور بودن در خشکی و دوری از اقیانوس ها نه تنها به انزوا دچار نشده بلکه از طریق مسائل خزر و قفقاز در تمامی مشکلات منطقه اوراسیا درگیر شده است. این امر از آن روست که منطقه مذکور صحنه برخورد منافع تمام قدرت های برتر جهانی و نیز تعداد زیادی از کشورهای مشترک المنافع، به علاوه دولت های غربی، روسیه، چین، دنیای اسلام به عنوان یک کل از جمله ترکیه، ایران، افغانستان، پاکستان و حتی هند شده است (anwari, 2001, 88).

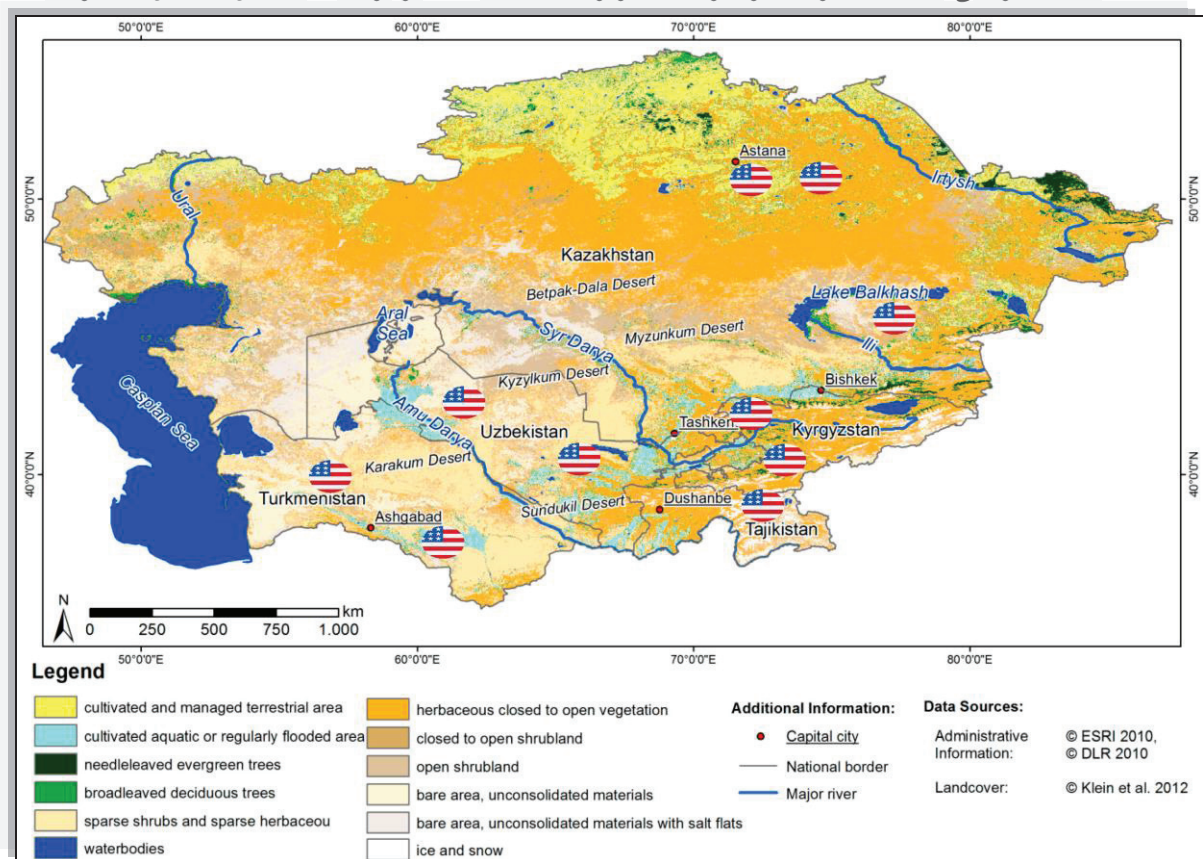
بنابراین، چنین شرایطی موجب شده تا ناظران تحولات منطقه آسیای مرکزی، این منطقه را به دلیل برخورد منافع جهانی و افزایش تنش ها به طور بالقوه بالکان اوراسیا نامند. از جهتی دیگر، دور افتادن کشورهای آسیای مرکزی از بازار جهانی و راه نداشتن قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان به دریای آزاد باعث می شود استفاده از خاک کشورهای همسایه برای انتقال محصولات نفتی به بازارهای جهانی اجتناب ناپذیر گردد. به این سبب برای فروش منابع طبیعی به بازار جهانی احداث خط لوله ضروری است. در حالی که این کشورها در ضعف اقتصادی به سر می برند، بین شرکت های بزرگ برای احداث خط لوله نفتی که میلیارد ها دلار هزینه در بر می گیرد، رقابت رفته رفته شدیدتر می گردد (chen and fazilov, 2018).

یافته های تحقیق

۱. جایگاه آسیای مرکزی در سیاست های منطقه ای ایالات متحده آمریکا

تصمیم ایالات متحده در این سال ها مبنی بر جلوگیری از انحصار روسیه بر منابع انرژی آسیای مرکزی نشان دهنده دو هدف اصلی سیاست ایالات متحده بود. از یکسو برای جلوگیری از تاراج هر چه بیشتر حاکمیت و استقلال کشورهای آسیای مرکزی که به مسائل دفاعی و امنیتی پیوند خورده بودند و از سوی دیگر؛ نشان دهنده موفقیت منافع تجاری در ترغیب دولت آمریکا به محور قرار دادن دسترسی به نفت و قبول این مسأله از سوی واشنگتن که برای کشورهای تولید کننده انرژی، نفت و گاز تنها راه رفاه و استقلال اقتصادی و سیاسی است. البته انرژی در استراتژی ایالات متحده به صورت جداگانه مدنظر قرار نمی گیرد بلکه به اهداف امنیتی این کشور متصل شده است. برژینسکی مشاور امنیت ملی دولت جیمی کارتر در کتاب خود تحت عنوان "تنها قدرت جهانی این منطقه را در منطق آمریکا به درستی معرفی می کند:

"اوراسیا صفحه شطرنجی است که حرکت بر سر سلطه برتر جهان در آینده نیز بر روی آن صورت خواهد گرفت.



نقشه ۲. موقعیت پایگاه های نظامی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی، Source:(Research findings)

به این ترتیب ایالات متحده با توجه به پتانسیل منطقه به عنوان منبع انرژی خارج از خاورمیانه (به عنوان پایگاه جدید)، نگرش خود را نسبت به منطقه آسیای مرکزی تغییر داد. بویژه در دوره دوم ریاست جمهوری کلینتون،

سیاست آمریکا بطور فزاینده به اهمیت ذخایر انرژی حوزه دریای خزر و راه های صدور به عنوان موضوع امنیتی اقتصادی معطوف شد.

بنابراین، ایالات متحده با حضور در آسیای مرکزی و افغانستان اهداف زیر را دنبال می کرد:

۱- کنترل انرژی آسیای مرکزی؛ بسیاری از صاحب نظران اتفاق نظر دارند که ذخایر نفت و گاز این منطقه در استراتژی انرژی آمریکا قرار است در آینده جایگزین نفت و گاز خاورمیانه شود. بنابراین، هم تسلط بر این ذخایر و هم انتقال آن، در تحقق منافع استراتژیک و اقتصادی آمریکا جایگاه خاصی پیدا خواهد کرد.

جدول ۲. کمک های آمریکا به کشورهای آسیای مرکزی در زمینه نظامی (۲۰۱۸-۱۹۹۹)

کشورهای آسیای مرکزی	مجموع بودجه سال های ۲۰۱۰ - ۱۹۹۲	بودجه ۲۰۱۱	تخمین بودجه ۲۰۱۸
قزاقستان	۲۰۵۰,۴	۱۷,۵	۲۱,۴
قرقیزستان	۱۲۲۱,۱۱	۴۱,۴	۴۶,۴
تاجیکستان	۹۸۸,۵۵۷	۴۴,۵	۴۵
ترکمنستان	۳۵۱,۵۵	۱۱,۱	۱۰,۳
ازبکستان	۹۷۱,۳۶	۱۱,۳	۱۱,۸
مجموع	۵۷۱۴,۰۳	۱۴۹,۳	۲۷,۶

Source: Congressional Research Service, 3 January 2018

۲- ایجاد ساختارهای امنیتی در آسیا؛ برژینسکی طرفدار و حامی این فرضیه است. آمریکایی ها معتقدند که در منطقه با فروپاشی شوروی خط ایجاد شده و باید این خط را پر کرد. به نظر ایالات متحده، روسیه موقعیت ژئو استراتژیک دارد و در آینده می تواند به عنوان یک قدرت ظاهر شود. به همین خاطر این ساختار امنیتی در آسیا، موفقیت غربی ها را ایجاد می کند. آمریکا خواهان آسیای مرکزی با ثبات و به دور از تهدید جهادی و بنیادگرایی اسلامی است.

وزارت دفاع آمریکا در اکتبر ۱۹۹۹ یک بازبینی اساسی در جغرافیای نظامی ایالات متحده آمریکا انجام داد که بر این اساس فرماندهی ارشد نیروهای آمریکایی مستقر در آسیای مرکزی که پیش از این تحت فرماندهی حوزه اقیانوس آرام بود را تأسیس کرد. این تصمیم نشان از تغییر جهت اساسی در تفکر استراتژیک ایالات متحده آمریکا داشت. آسیای مرکزی در تفکر استراتژیک ایالات متحده آمریکا نقش حاشیه ای داشت، یکباره اهمیت بیشتری از فرماندهی اقیانوس آرام یافت. این امر بیش از هر چیز به اهمیت منطقه نزد مقامات آمریکایی اشاره دارد که وظیفه آن ها در درجه اول تضمین تداوم جریان نفت به آمریکا و متحدانش است. "ریچارد مورینگ استار" مشاور بیل کلینتون نیز اهداف سیاست خارجی آمریکا در منطقه آسیای مرکزی را در شش محور زیر خلاصه می کند:

۱- تقویت کشورهای تازه استقلال یافته در مسیر توسعه دموکراسی و اقتصاد بازار؛

۲- حمایت از استقلال، تمامیت ارضی و توسعه آنها؛

۳- توسعه امکانات بازرگانی برای منطقه؛

۴- حل و فصل مناقشات منطقه ای از طریق برقراری روابط اقتصادی؛

۵- تقویت استقلال انرژی آمریکا و متحدان از طریق منابع انرژی خزر؛

۶- استقلال انرژی کشورهای جدید از طریق دسترسی آزاد نفت و گاز در بازارهای جهانی.

۲. تحلیل آماری

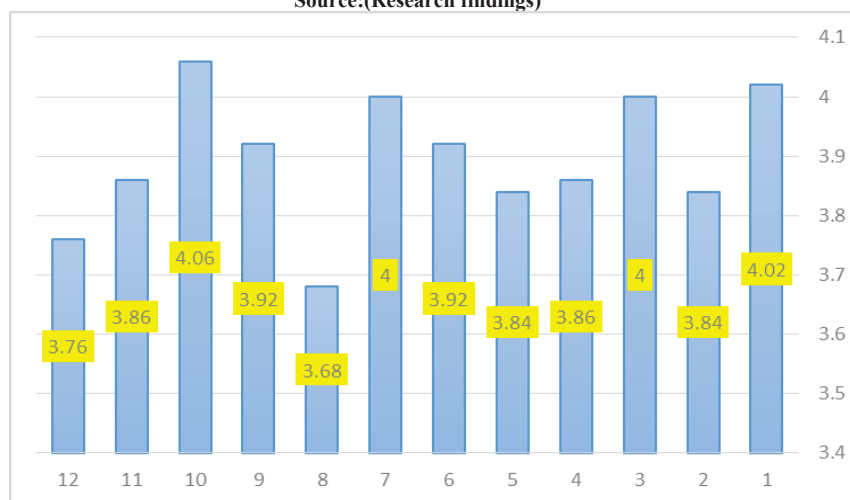
۱.۲. آمار توصیفی

آمار توصیفی به منظور شناخت مهمترین عوامل ایجاد همگرایی میان ایالات متحده آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی و در واقع عواملی که محسوب می شوند را در جدول ۳ تفکیک می نمایم .

جدول ۳. آمار توصیفی مهمترین عوامل ایجاد همگرایی میان ایالات متحده آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی

میانگین	خیلی زیاد	زیاد	نظری ندارم	کم	خیلی کم	گویه	
۴,۰۲	۲۰	۱۹	۴	۶	۱	مبارزه با اسلام گرایی	۱
۳,۸۴	۱۸	۱۷	۴	۱۱	۰	مبارزه با هژمونی نظامی-سیاسی روسیه	۲
۴	۲۱	۱۹	۲	۵	۳	تضعیف وابستگی کشورهای منطقه به روسیه از طریق ارائه کمک های اقتصادی و تسهیلات تجاری	۳
۳,۸۶	۱۸	۱۸	۴	۹	۱	تلاش برای غربی کردن ژئوکالچر منطقه آسیای مرکزی	۴
۳,۸۴	۱۴	۲۳	۵	۷	۱	روابط بر مبنای توسعه انرژی گاز	۵
۳,۹۲	۲۰	۱۵	۶	۹	۰	مبارزه با تروریسم	۶
۴	۲۰	۲۰	۲	۶	۲	تامین منافع اقتصادی دوطرفه میان آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی	۷
۳,۶۸	۱۸	۱۴	۴	۱۲	۲	وابستگی کشورهای آسیای مرکزی به آمریکا از نظر تجهیزات نظامی	۸
۳,۹۲	۲۱	۱۶	۳	۸	۲	مهار ایدئولوژیک و نفوذ سیاسی-نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی	۹
۴,۰۶	۲۳	۱۷	۱	۸	۱	بهره برداری از منابع و ذخایر زیرزمینی آسیای مرکزی	۱۰
۳,۸۶	۱۷	۲۱	۱	۱۰	۱	کنترل خیزش های قومی - مذهبی در کشورهای آسیای مرکزی	۱۱
۳,۷۶	۱۷	۱۶	۷	۸	۲	تلاش برای تضعیف محورهای مخالف روسیه از طریق گسترش مناسبات با کشورهای منطقه	۱۲

Source:(Research findings)



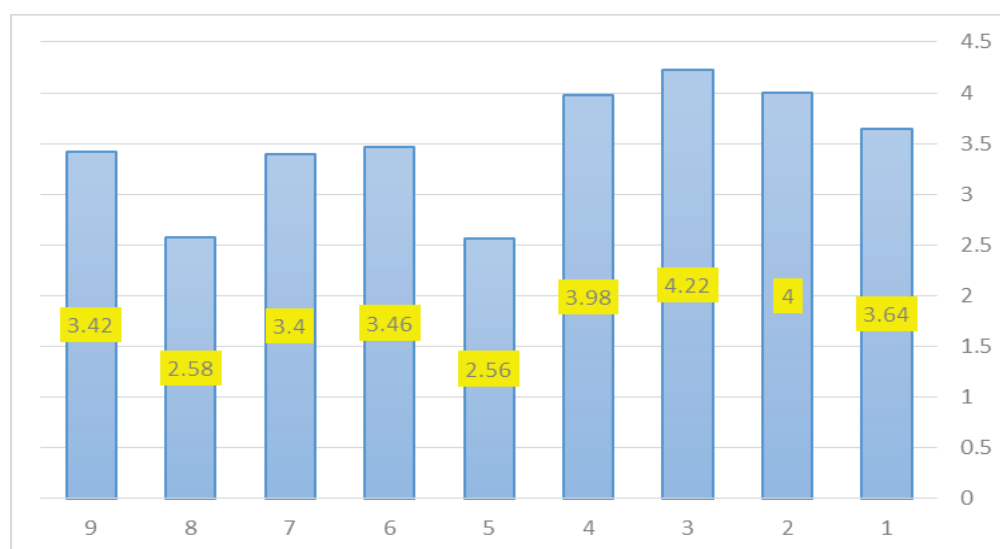
نمودار ۱. مهمترین عوامل ایجاد همگرایی میان ایالات متحده آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی ، Source:(Research findings)

به منظور به دست آوردن نقش عوامل ژئواستراتژیک در نفوذ ایالات متحده آمریکا به ترتیب گویه های زیر را لحاظ می نمایم:

جدول ۴. نقش عوامل ژئواستراتژیک در نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی

ردیف	گویه	خیلی کم	کم	نظری ندارم	زیاد	خیلی زیاد	میانگین
۱	کسب بازارهای منطقه	۳	۹	۵	۱۹	۱۴	۳.۶۴
۲	کنترل منابع انرژی کشورهای منطقه آسیای مرکزی	۱	۷	۵	۱۵	۲۲	۴
۳	افزایش پایگاه های نظامی آمریکا در آسیای مرکزی	۲	۳	۱	۲۰	۲۴	۴.۲۲
۴	تلاش در راستای فروش تجهیزات نظامی توسط آمریکا در آسیای مرکزی	۲	۴	۶	۱۹	۱۹	۳.۹۸
۵	برخورداری آسیای مرکزی از اقلیت های تندروی قومی - مذهبی	۱۵	۱۳	۶	۱۱	۵	۲.۵۶
۶	تلاش آمریکا برای ترویج ارزش های غربی و پیاده کردن مدل های حکومت غربی	۷	۹	۳	۱۶	۱۵	۳.۴۶
۷	تضعیف روسیه از طریق تقویت استقلال کشورهای منطقه آسیای مرکزی	۸	۷	۳	۲۱	۱۱	۳.۴۰
۸	تلاش در راستای جلوگیری از انحصار انرژی روسیه در منطقه آسیای مرکزی	۱۴	۱۵	۶	۸	۷	۲.۵۸
۹	تلاش برای حفظ و تقویت پایگاه های نظامی موجود در منطقه	۱۰	۳	۴	۲۲	۱۱	۳.۴۲

Source:(Research findings)



نمودار ۲. نقش عوامل ژئواستراتژیک در نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی، Source:(Research findings)

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهش

همواره از آسیای مرکزی به عنوان مرزهای جدید برای سیاست خارجه آمریکا به خصوص در طی سال های اخیر یاد می شود. از زمان استقلال کشورهای آسیای مرکزی منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی ایالات متحده آمریکا در آنجا دائما افزایش یافته است. با توجه به افزایش قدرت نظامی - سیاسی روسیه و جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی، افزایش قدرت اقتصادی - سیاسی چین در آسیای مرکزی و همچنین وجود گروه های مخالف ایدئولوژیک آمریکا و غرب و همسو با رفتارهای منطقه ای ایران و روسیه در این منطقه، به این منظور امروز بیش از پیش منافع استراتژیک و ژئواستراتژیک ایالات متحده آمریکا با خطرات جدی مواجه است. در راستای مطالعه

سیاست های خارجی آمریکا در آسیای مرکزی، در جریان فاز نخست، که از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ به طول انجامید، سیاست ایالات متحده بر سه اولویت متمرکز بود: تأمین امنیت میراث تسلیحات کشتار جمعی شوروی، کمک به کشورهای آسیای مرکزی برای دستیابی و دفاع از حاکمیت و استقلال نوپای شان و نیز حفظ تمامیت ارضی شان در برابر تجدید حیات بالقوه نئوامپریالیسم روسی و سرانجام شکستن انحصار روسیه بر خطوط لوله و مسیرهای انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی به عنوان ابزاری برای حفظ استقلال این منطقه از روسیه. ایالات متحده به طور علنی رویکرد ژئوپلیتیک به آسیای مرکزی را رد می کرد و در عوض بر تلاش های درازمدت برای پشتیبانی از ایجاد حکومت های دموکراتیک، اقتصاد بازار آزاد و ادغام اقتصادی منطقه ای تأکید می کرد. به رغم لفاظی های گاه و بیگاه در مورد اهمیت این منطقه، سیاست گذاران ایالات متحده عموماً برای آسیای مرکزی، به نسبت اولویت کم تری قائل هستند و تعامل آمریکا برای دستیابی به ثبات، امنیت و رفاه و همچنین حکمرانی بهتر محدود باقی مانده است. دو فاز نخست مواجهه آمریکا با یک آسیای مرکزی مستقل دارای مضمونی مشترک بود: اهمیت این منطقه برای ایالات متحده تا حد زیادی برآمده از منافع بود که به اندازه خود به خود آسیای مرکزی باز نمی گشت، بلکه ناشی از عملکردهای سیاسی، اولویت ها و روابط ایالات متحده با کشورهای اطراف این منطقه بود. هم زمان که ایالات متحده در حال گذار به ردپا و نقش کم رنگ تری برای نیروهای خود در افغانستان است، واشنگتن یک بار دیگر نیازمند تعریف و اولویت بندی منافع و روابط خود در این منطقه است، خصوصاً هنگامی که روسیه در حال نشان دادن تمایل و توانایی بیشتر برای مداخله در امور داخلی همسایگان خود است. علاوه بر این، هدف بلندمدت هر دوی پکن و مسکو برای بسط نفوذشان در آسیای میانه، می تواند به افزایش تنش ها میان این دو قدرت و احتمالاً بین کشورهای منطقه منتهی شود. رقابت بین این دو قدرت، کشورهای آسیای مرکزی را برای پی جویی تداوم دخالت غرب در این منطقه برای مهار جاه طلبی های چین و روسیه تشویق می کند. در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، ایده مقابله با نفوذ روسیه و چین در آسیای مرکزی به صورت جدی تر مطرح شد و آمریکا با افزایش نفوذ و دمیدن بر نزاع های سیاسی در منطقه، حتی با کمک سازمان های غیر دولتی به دنبال انجام انقلاب های رنگی در آسیای مرکزی برآمد. اوباما در آخرین سال ریاست جمهوری اش با هدف پیگیری سیاست ها و منافع ایالات متحده در این منطقه، پیشنهاد داد تا مذاکراتی به صورت منظم میان آمریکا با قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان برگزار گردد. متعاقباً این ایده همکاری، C+۱ یعنی پنج کشور آسیای مرکزی به علاوه ایالات متحده نامیده شد و پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا، سیاست های خارجی آمریکا در آسیای مرکزی دچار تغییرات گسترده ای گردید که در این زمینه افزایش تبادلات اقتصادی، افزایش روابط تجاری، مقابله با نفوذ ایدئولوژی و سیاسی ایران در منطقه، مبارزه با گروه های تحت حمایت روسیه در منطقه و همچنین انحصار روسیه در زمینه تولید و صادرات منابع انرژی و مقابله با قدرت اقتصادی - سیاسی چین در منطقه آسیای مرکزی به عنوان اهداف مدنظر آمریکا در آسیای مرکزی به شمار می رود. در این زمینه پژوهش حاضر با هدف تبیین پیوندهای استراتژیک آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع حاضر در راستای منافع ملی

جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار گرفت و پژوهش حاضر دو هدف مهمترین عوامل ایجاد همگرایی میان ایالات متحده آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی و نقش نفوذ ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی را مورد تبیین قرار داد. در زمینه مهمترین عوامل ایجاد همگرایی میان آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی، با توجه به تهدیدهای مشترک آمریکا و این کشورها، چالش‌ها و مشکلات آسیای مرکزی، عواملی نظیر مبارزه با اسلام‌گرایی، تضعیف وابستگی کشورهای منطقه به روسیه از طریق ارائه کمک‌های اقتصادی و تسهیلات تجاری، بهره‌برداری از منابع و ذخایر زیرزمینی آسیای مرکزی، مبارزه با تروریسم و مهار ایدئولوژیک و نفوذ سیاسی-نظامی ایران در منطقه آسیای مرکزی به عنوان مهمترین عوامل موثر بر افزایش همگرایی‌های میان ایالات متحده آمریکا و کشورهای آسیای مرکزی مورد تایید قرار گرفت. در نهایت در زمینه نقش عوامل ژئواستراتژیک در نفوذ ایالات متحده آمریکا، عواملی نظیر افزایش پایگاه‌های نظامی آمریکا در آسیای مرکزی، کنترل منابع انرژی کشورهای منطقه آسیای مرکزی و تلاش در راستای فروش تجهیزات نظامی توسط آمریکا در آسیای مرکزی به عنوان مهمترین عوامل استراتژیک موثر در نفوذ ایالات متحده آمریکا در کشورهای آسیای مرکزی محسوب می‌شوند.

References

- Akhbari, Abolfazl, Akhbari, Mohammad, Ismail Pourroushan, Ali Asghar, Ranjbar, Mohsen, 2020, Explaining the role of hydropolitics on the foreign policy of Afghanistan and Iran (2015-2019), Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography, Volume 12, Number 3.
- Anwari, Omid Reza, 2001, A Look at the Formation of the Shanghai Cooperation Organization, Quarterly Journal of Central Asia and Caucasus Studies, No. 34.
- Bakhshaish Ardestani, Amir Hossein, 2010, The Impact of the Islamic Republic of Iran's Membership in the Shanghai Cooperation Organization on the National Security of the Islamic Republic of Iran, M.Sc. Thesis, Department of Political Geography, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.
- Bakhytgul B. KASSENOVA, Raushan S. YELMURZAYEVA, Rabiga K.2020, BAIMBETOVA Zhaslan Y. NURBAYEV and Gulnara E. IBRAGIMOVA.
- Bobokhonov, Abdulmajid, Jan Pokrivcak & Miroslava Rajcaniova (2017) The impact of agricultural and trade policies on price transmission: The case of Tajikistan and Uzbekistan, The Journal of International Trade & Economic Development, 26:6, 677-692, DOI: 10.1080/09638199.2017.1287212
- Cai, Kevin. (2018) The One Belt One Road and the Asian Infrastructure Investment Bank: Beijing's New Strategy of Geoeconomics and Geopolitics, Journal of Contemporary China, 27:114, 831-847, DOI: 10.1080/10670564.2018.1488101
- Chen, X., & Fazilov, F. (2018). Re-centering Central Asia: China's "new great game" in the old Eurasian heartland. Palgrave Communications, 4(1), 1-12.
- Daman Pak Jami, Morteza, 2008, The Role of Caspian Energy Resources in Ensuring World Energy Security and the Challenges of Transferring Them to Global Markets, Quarterly Journal of Central Asian and Caucasus Studies, No. 62.
- de Lisle, Jacques, 2020, Foreign Policy through Other Means: Hard Power, Soft Power, and China's Turn to Political Warfare to Influence the United States, Orbis, Volume 64, Issue 2.
- Ebrahimi, M., Navakhti Moghaddam, A., Osuli, G. (2020). The Determinative Factors of Iran's Relation with the Central Asian Republic from Political Economy Perspective (Case Study: Turkmenistan and Tajikistan). Central Eurasia Studies, 13(2), 325-344. doi: 10.22059/jcep.2020.301612.449922
- Hoseinpour puyan, Reza, 2006. Analysis and study of the integration of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the interaction with the Republic of Azerbaijan with the geogolytic

- realities. Master Thesis. Under the guidance of Pirooz Mojtahedzadeh. Tehran: Tarbiat Modares University.
- kacir,adem,2020,Orta Asya'da Çağdaş Rekabet: Fırsatlar ve Zorluklar,Avrasya İncelemeleri Dergisi,Journal of Eurasian Inquiries,9, 1.
- KANAPIYANOVA,Zhuldyz, 2020, THE US AND RUSSIAN POLICY TOWARD CENTRAL ASIA IN THE FRAMEWORK OF THE GEOPOLITICAL THEORY,Eurasian Research Journal,Volume 2 , Issue 2.
- Krause, D., & Sheikh, M. K. (2022). Containing Transnational Jihad.Perspectives on terrorism,Volume XVI, Issue 1 February 2022.
- Lesser,Ian, 2020 , What to Expect from the United States:A Look Ahead at US Foreign Policy,Istituto Affari Internazionali (IAI) (2020),Stable URL: <http://www.jstor.com/stable/resrep23657>.
- Mahkouei, Hojjat, Bavir, Hassan, 2014, The role of regional organizations in reducing regional challenges; Case Study of the Economic Cooperation Organization (ECO), Journal: International Organizations, No. 7.
- Mahkouei, Hojjat, Bavir, Hassan, 2014, The role of regional organizations in reducing regional challenges; Case Study of the Economic Cooperation Organization (ECO), Journal: International Organizations, No. 7.
- Mark Schwartz,Herman,(2022),The European Union, the United States, and Trade: Metaphorical Climate Change, Not Bad Weather,Department of Politics,Vol 10, No 2(۲۰۲۲)
- Najafgholi Nejad Varjoui, Azam, Hassanzadeh, Mohammad,2013 , Factors Enhancing Cooperation between National Libraries of ECO Member Countries, Journal of National Library and Information Studies, Volume 25, Number 97.
- nourian,zeinab.(2021),Investigating the Position of Smart Power in Iran's Foreign Policy towards Armenia,iranian politics and law,volume 1,issues 1 and 2 summer and autumn of 2021.
- Pradhan, R.(2018). The Rise of China in Central Asia: The New Silk Road Diplomacy. Fudan J. Hum. Soc. Sci. 11, 9–29 <https://doi.org/10.1007/s40647-017-0210-y>
- Qichao Wang & Jianwei Wang (2022) China and Japan in CEEC: competition, cooperation and co-existence?, Journal of Contemporary East Asia Studies, DOI: 10.1080/24761028.2022.2049028
- Raimondi, P. P. (2019). Central Asia oil and gas industry-the external powers' energy interests in Kazakhstan, Turkmenistan and Uzbekistan (No. 2198-2019-1790). Fondazione Eni Enrico Mattei.
- Salehi, Nezamali, 2020, Explaining the strategic and geocultural ties between Iran and Turkmenistan and its effects on the security of the Islamic Republic of Iran, Master Thesis, Department of Political Geography, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.
- Shiroodi, Morteza, 2004, Regional Issues of Iran, Volume One.
- Smith, Anthony; Ashfield, Emilia. 2012, Foreign Policy, Theories, Actors, and Case Studies, Translated by Amir Mohammad Haj Yousefi and Mohsen Mahmoudi and Ayoub Karimi, Volume I, Tehran: Sidebar.
- Tabatabai, Seyed Morteza, Esmail Pourroshan, Ali Asghar, Daniali, Tahmineh, Lotfi, Haidar, 2020, Assessing Economic Convergences between the Islamic Republic of Iran and Shanghai Organizations, Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography, Volume 12, Number 2
- Tabatabai, Seyed Morteza, Esmail Pourroshan, Ali Asghar, Daniali, Tahmineh, Lotfi, Haidar, 2020, Assessing Economic Convergence between the Islamic Republic of Iran and the Shanghai Cooperation Organization, Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography, Volume 12, Number 2.
- Vladimir,Pachkov, 2020 ,Uzbekistan: A Key Central Asia Nation,La Civiltà Cattolica, English Edition, Volume 4, Number 2, February 2020, pp. 1-12(12).
- Yazdani Enayatollah, Tuyserkani Mojtaba. 2011, An Analysis of the Geopolitical Competition of Powers in the "Strategic Energy Ellipse". Geographical research. cited 2022may3026 (4 (consecutive 103)): 149-186. available from: <https://www.sid.ir /fa/journal/ viewpaper.aspx?id=182320>

Zabah, Setareh, 2014, Analysis of Government Procedures Saheli on the Legal Regime of the Caspian Sea, Master Thesis, Department of Political Geography, Mofid University.

منابع اینترنتی:

<https://www.researchgate.net/figure/Change-in-daily-temperature>
Congressional Research Service, 3 January 2018

**Explain the strategic ties between the United States and the countries
of Central Asia**

Bint Al-Huda Yousefi Deilami

PhD student in Political Geography, Islamic Azad University, Central Tehran
Branch, Tehran, Iran.

Farhad Hamzeh*

Assistant Professor, Department of Political Geography, Islamic Azad University, Central
Tehran Branch, Tehran, Iran.

Reza Tajfar

Assistant Professor of Political Geography, Imam Ali University, Tehran, Iran.

Abstract

According to Mackinder's theory, Central Asia has always been mentioned as one of the most important geopolitical regions of the world, which underwent extensive changes after the collapse of the Soviet Union and the formation of independent states. In this regard, during the last decade, with the increasing influence of the Islamic Republic of Iran, the increasing political-economic influence of China in Central Asia, as well as the increasing intervention of the Russian Federation in these countries, US interests in the region have always faced many challenges and problems. Considering the effects of US strategic influence in the Central Asian region and its effects on the national security interests of the Islamic Republic of Iran, the present study uses descriptive-analytical and applied methods to explain the strategic ties between the US and Central Asian countries. The statistical population of the present study consists of all experts and experts in political geography, the sample size of which was estimated at 50 people based on the Cochran model. In order to analyze the research findings, descriptive statistics of mean test in SPSS software were used. The results showed that the common threats of Islamism and terrorism, countering the hegemony of Russia and China in the region and countering the ideological influence of the Islamic Republic of Iran in Central Asia are the most important factors of convergence between the United States and Central Asian countries.

Keywords: Strategic Link, Convergence, USA, Central Asia.

* (Corresponding Author) geofarhad77@yahoo.com